

مطالعه کیفی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان

امید قادرزاده^۱، امید قادری^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به بازسازی معنایی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهر مرزی مریوان از منظر ساکنان آن بپردازد. روش‌شناسی پژوهش کیفی است و از روش قوم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق استفاده کرده‌ایم. جهت گردآوری داده‌ها نیز از فنون مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی و از نمونه‌گیری فرصت‌گرا یا ظهوریابنده بهره گرفته‌ایم. برای تحلیل اطلاعات از نظریه زمینه‌ای استفاده کرده‌ایم. نهایتاً داده‌ها در قالب ۵۱ مفهوم، ۴ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی کدگذاری و تحلیل شدند. ۴ مقوله اصلی عبارت‌اند از: استحاله ارزشی و هنجاری، سوژه‌شدن بدن/بزه‌شدن طبیعت، ابزاری‌شدن ارتباطات، اصالت‌زدایی از دانش. بر مبنای نتایج حاصل از مصاحبه با ۲۷ نفر از مطلعان کلیدی، اساسی‌ترین عناصر فرهنگی این جامعه، که شاخص کلی فرهنگ منطقه‌اند، بنابر تأثیرات تجارت مرزی، اساساً تغییر کرده و جابه‌جا شده‌اند.

واژگان کلیدی: تجارت مرزی، ازجاکندگی فرهنگی، نظریه زمینه‌ای، شهرستان مریوان.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
omidghaderi1@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

۱. طرح مسئله

نیازهای اولیه معیشتی افراد هر جامعه، یا به زبان تخصصی تر، بُعد اقتصادی، از ابعاد اساسی هر جامعه‌ای است که از تغییر برکنار نیست و درعین حال از عناصر اصلی کلیت فرهنگ آن جامعه است. شیوه‌های تأمین معیشت افراد مبتنی بر ضرورت‌های زمانی، مکانی و پیشرفت تکنولوژیکی و فرهنگی، خاستگاه‌ها، شکل و محتوای متفاوتی دارند. فرهنگ نیز به‌مثابه کلیت تحلیل‌پذیری است که شناخت مشترک جامعه را از هنجارها، نمادها، تکنولوژی‌ها، باورها، ارزش‌ها و ساختار اجتماعی متشکل از نهادهای اجتماعی و جهان‌شمول دربرمی‌گیرد و می‌توان آن را شیوه زندگی افراد جامعه نامید. فرهنگ هر جامعه ثمره تلاش افراد آن جامعه طی قرون و نسل‌ها برای پاسخگویی به نیازهای مادی و غیرمادی آن‌هاست. باین‌حال، جوامع براساس تکامل تکنولوژیکی و تنوع تفکر دارای سطوح مختلف تنوع فرهنگی هستند.

در گستره وسیع و به‌شدت پیش‌رونده تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان امروز، فرهنگ از ابعاد اساسی هر جامعه‌ای است که حساسیت مضاعفی به‌لحاظ صورت و محتوا پیدا کرده است. در این پیکره جدید برساخت‌شده جهان امروز، تغییرات ناموزون ارزش‌ها، هنجارها و آداب‌ورسوم ملل مختلف از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در نتیجه تغییرات اقتصادی و درهم‌فشرده‌گی زمان و مکان به جابه‌جایی و ناهم‌خوانی‌های عمیق فرهنگی انجامیده است. تجارت مرزی یکی از محدود شیوه‌های معیشتی در فرهنگ مناطق مرزی است.

شهرستان مرزی مریوان در استان کردستان، تا پیش از سه دهه قبل، مناسبات همه‌جانبه اندک ولی مستمری با شهرهای همسایه داخلی و خارجی‌اش داشته است. به‌لحاظ شیوه‌های معیشتی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و غیره، بالنسبه منسجم و یک‌نواخت بوده است. به‌ویژه وضعیت رفاه مردم (بجز قشر خوانین، آن‌هم با اندکی تفاوت) هم‌سطح بوده و تغییرات فرهنگی در آن موجود اما بسیار نامحسوس بوده است. با رسمی‌شدن ارتباطات تجاری مرزی در این شهرستان، تغییرات زیادی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و رسومات و الگوهای رفتاری، معیشتی و غیره در این منطقه رخ داده است. بررسی سیر و جهت تغییرات مذکور، به‌گونه‌ای جامعه‌شناختی حائز اهمیت است. درک این تغییرات فرهنگی براساس تفسیری که خود این مردم از آن‌ها دارند، مسئله اساسی این تحقیق است. به‌طور کلی سؤال اساسی این است که با توجه به خوانش و درک افراد این منطقه، تجارت مرزی در نوار مرزی شهرستان مریوان چه نقشی در تغییرات فرهنگی این شهرستان داشته است و مردم این منطقه تأثیرات و پیامدهای تجارت مرزی را چگونه ارزیابی و تفسیر می‌کنند؟

۲. اهمیت و اهداف مطالعه

با اذعان به رقم بالای مساحت مرزهای کشور (هشت هزار کیلومتر)، وجود تنوع و تفاوت در ابعاد جغرافیایی و فرهنگی در مناطق مرزی که ۱۶ استان را با حدود ۵۰ درصد از مساحت کل کشور دربرمی‌گیرد، وجود قرابت‌های فرهنگی و تداخل نشانگرهای فرهنگی اقوام ساکن در دو سوی مرز، دوری از مرکز و تفاوت در شاخص‌های برخورداری از موقعیت استراتژیک مناطق مرزی، مقوله مرز و ارتباطات میان‌مرزی در ابعاد مختلف اهمیت ویژه‌ای دارد. مطالعه علمی این زمینه-ها از یک سو می‌تواند در انتخاب راه‌ها و سیاست‌های مناسب و کم‌هزینه در جهت مدیریت مسالمت‌آمیز تغییرات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی مؤثر باشد و از سوی دیگر، در شناخت ابعاد آسیب‌زا، فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی و تجارت مرزی می‌تواند راه‌گشا باشد. نکته مهم در این خصوص، که عمدتاً نادیده گرفته می‌شود، درک این مسئله است که عناصر مذکور از منظر افرادی که با مرز و تجارت مرزی تجربه زیسته دارند چگونه عمل می‌کنند و چه پیامدهایی دارند. دستیابی به این فهم نیازمند رسوخ به گنه دایره معنایی و رمزگان زبانی کنشگران درگیر با مسئله است. در همین جهت، هدف کلی این تحقیق بازسازی معنایی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهر مرزی مریوان است.

در گستره وسیع و به‌شدت پیش‌رونده تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان امروز، فرهنگ از مهم‌ترین ابعاد هر جامعه‌ای است که حساسیت مضاعفی به‌لحاظ صورت و محتوا پیدا کرده است. مجموعه‌ای از مقولات همچون تنوع فرهنگی، تسریع ارتباطات جهانی، تعمیق فرآیند جهانی‌شدن، اهمیت فرهنگ و عناصر فرهنگی در زندگی اجتماعی انسان‌ها، و حساسیت‌های تعاملی میان ابعاد و خرده‌نظام‌های هر اجتماع، به‌ویژه ارتباط ابعاد فرهنگی و اقتصادی، از دلایل ضرورت تحقیق حاضر است.

۳. پیشینه مطالعه

مروری بر کارهای انجام‌شده در حوزه تجارت مرزی و پیامدهای آن نشان می‌دهد که محققان عمدتاً به مقوله مرز و تجارت مرزی از منظر اقتصادی (نورمحمدی، ۱۳۷۱) و دلایل سیاسی - امنیتی یا پیامدهای ژئوپولیتیکی مرز و بازارچه‌های مرزی پرداخته‌اند (متوسلی و محمودی، ۱۳۸۱؛ نظری‌پور و معزی، ۱۳۸۹؛ زنگی‌آبادی و آهنگری، ۱۳۸۹؛ صفرپور و مظفری، ۱۳۸۹) و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن را نادیده گرفته‌اند. بنابراین، به دلیل غلبه نگاه کلان‌نگر، درک و تفسیر تجربه مرزنشینان از مرز و تجارت مرزی و نقش افراد درگیر در این مسئله مغفول مانده

است؛ امری که امروزه در کانون توجه مدل‌های انسان‌شناسی توسعه قرار دارد. نهایتاً از مطالعات مذکور می‌توان استنباط کرد که بازارچه‌ها به شیوه‌های مختلف و با شدت و حجم متفاوتی فرهنگ مردم منطقه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. تحقیق حاضر با حساسیت بیشتری بر دو مفهوم اساسی متمرکز است.

۴. چارچوب مفهومی

بنابر بنیان‌های فلسفی - پارادایمیک روش‌شناسی کیفی، نظریه‌ها نقشی الهام‌بخش و مکمل - گونه در فرآیند پژوهش دارند و برای ایجاد حساسیت نظری - مفهومی و کمک به بازشدن ذهن محقق درباب مسائل پژوهش به کار می‌روند. از آنجاکه این تحقیق به روش کیفی و در پارادایم سازه‌گرایی اجتماعی جهت بررسی درک و تفسیر افراد از موضوع مطالعه صورت می‌گیرد، جهت ایجاد چارچوب مفهومی سعی می‌کنیم این مفاهیم را از کسانی وام بگیریم که قرابت معرفت - شناسی^۱ و روش‌شناسی^۲ بیشتری با رهیافت مورد استفاده ما (برساختی - تفسیری) دارند. مفروضات اساسی رویکرد سازه‌گرایی حاکی از آن‌اند که حقیقت و معنا به‌گونه‌ای مستقل از آگاهی انسان‌ها قرار ندارد. معانی به‌جای اینکه کشف و یافته شوند برساخته می‌شوند (فیش، ۱۹۸۰: ۳۲۲). براین اساس، انسان‌ها بنابر تجربه زیسته‌شان دارای دانشی حسی درباب امور معیشتی فردی و عمومی زندگی خود هستند؛ معنا و فرآیند تفسیر معانی و کنش‌های آن - ها در اجتماع‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت همسان نیستند. مردم‌نگاران همین رفتارهای محلی، عقاید، آداب و رسوم، زندگی اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی، سیاست و دین را بررسی می‌کنند. اظهارات، ادراکات، طبقه‌بندی‌ها و اعتقادات محلی نیز به مردم‌نگاران در فهم عملکرد فرهنگ‌ها کمک می‌کنند. باورهای محلی در میان افراد محلی جذاب و گرانبها هستند، اما دست - آخر، مردم محلی اغلب دلایل و نتایج اصلی رفتارشان را نمی‌پذیرند (کوتاک، ۲۰۰۴: ۱۲۴).

نواحی مرزی دارای فرهنگ، نظام و قواعد زبانی و رفتاری ویژه‌ای هستند. پدیده تجارت مرزی نیز یکی از ابعاد زندگی اقتصادی و گستره فرهنگی نواحی مرز نشین است. چگونگی فهم عناصر متفاوت این گستره فرهنگی بعد از مسئله چرخش فرهنگی تحولات متفاوتی در نظریه‌های علوم انسانی و رفتاری به دنبال داشته است. رهیافت نمادین کلیفورد گیرتز به گستره فرهنگ همراه با روش‌شناسی (تفسیری - نمادین) ویژه‌اش، از جمله این تحولات قلمداد

1. Epistemological
2. Methodological

می‌شود. گیرتز برای اجتماع و پدیده‌های آن حالتی "متن‌گونه"^۱ قائل بود که برای شناخت آن باید به شیوه‌ای "تفاهمی و تفسیری" و به روش "مطالعات میدانی" عمل کرد. وی نهایتاً بر "دیدگاه بومی" تأکید داشت (گیرتز، ۱۹۷۳: ۵). گیرتز معتقد بود که درک فرهنگ به مثابه کلیتی منسجم و در تمام ابعاد غیرممکن است، اما درک جزئی از عرصه‌های کوچک و در دسترس آن کلیت واحد مقدور است. این درک امری کامل و مانع نیست، بلکه بخشی اندک از مجموعه‌ای کلان است که به تدریج محقق خواهد شد (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱). محقق به هنگام مطالعه پدیده تجارت مرزی، جهت درک معانی الصاق شده به پدیده تجارت مرزی، به نوعی «تفسیر تفسیرها»^۲ (گیدنز) یا «درک ادراک»^۳ (گیرتز)، یا همان بازسازی مجدد معانی کنشگران دست می‌زند و با ارائه توصیفی پرملاط^۴ (نه توصیف حجیم) از اوضاع اجتماعی به شناخت درست‌تر و توصیف‌های ریز و میکروسکوپی اقدام می‌کند که هر کدام به معنایی خاص صورت گرفته‌اند. این گونه توصیف‌ها بر تأیید بومی و نسبی بودن دانش و واقعیت و غیرتبیینی بودن بررسی‌های اجتماعی صحه می‌گذارند. در مطالعات اجتماعی به جای جستجوی قانون باید در جستجوی معانی و پدیده‌ها بود تا "تبیین‌های تفسیری" معتبر و برتری ارائه گردند.

انسان‌شناسان نیز معتقدند که جهان اجتماعی از خلال معنایی که کنشگران به موقعیت‌ها، اشیا، نمادها و اطرافشان می‌دهند ساخته شده و در بررسی و تحلیل باید به درک بازیگران اجتماعی از این جهان اجتماعی نائل گشت. انسان‌ها حتی در صورت تنه‌بودن نیز باز به صورت جمعی به خود می‌اندیشند؛ به عبارتی، تمام اندیشه انسان اجتماعی است و این روابط بین‌ذهنی میان مجموعه انسان‌ها موضوع انسان‌شناسی است (اوژه و کولن، ۱۳۸۸: ۲۴). انسان‌شناسان می‌توانند با توصیف و تشریح زندگی مردم در واقعیت‌های متنوع و موقعیت‌های تجربه‌شده، آن واقعیات و موقعیت‌ها را در چارچوب‌های گسترده زمانی و مکانی تحلیل کنند. چارچوب‌ها ساختارهای شکل‌یافته‌ای حول موضوعی خاص‌اند که از مدل‌های تعمیم‌یافته و بادوام فرهنگی‌ای که ما را در فهم جهان کمک می‌کنند، همانند یک برانگیزاننده استفاده می‌کنند. وقتی یک چارچوب، مدلی فرهنگی ایجاد می‌کند، یا آن را برای بازی در تفسیری فرامی‌خواند، مدل کلی قابل استفاده می‌شود. این عمل به افراد امکان می‌دهد تا درباب موضوع تعقل و استنتاج کنند، و جای اطلاعات گم‌شده را با ارجاع به وجوه قوت مدل، نه کاستی‌ها، تکمیل

1. Textual
2. Interpretation of interpretations
3. Understand the Understand
4. Thick description

کنند. رویکرد تاکسونومی یا چارچوب‌بندی داده‌ها، اشاره به انتخاب زیرکانه جنبه‌های خاصی از یک موضوع برای رسیدن به پاسخی ویژه دارد. چارچوب‌بندی در جامعه‌شناسی متأثر از کار اروینگ گافمن در خصوص عاملیت انسانی (۱۹۷۴) است. گافمن که در کارهای متأخرترش از تحلیل‌های انضمامی‌تر روابط خود اجتماعی^۱ به تحلیل‌های ظاهراً انتزاعی‌تر اصولی تغییر جهت داد که تجربه ما را شکل می‌دهند، چارچوب‌ها را به‌مثابه "الگوهای تفسیر" تعریف کرد. نمودارهایی که به افراد امکان می‌دهند هرآنچه را در زندگی‌شان و بیرون از جهان رخ می‌دهد "موقعیت‌یابی، درک، شناسایی و برچسب‌زنی" کنند (لمرت و بارانامان، ۱۹۹۷: ۱۴۷). رهیافت‌های جامعه‌شناختی به چارچوب‌بندی بر آن بخش‌هایی از جهان اجتماعی‌مان تمرکز دارد که چارچوب‌ها را در ذهن‌هایمان به کار می‌اندازند و آن‌ها را در سپهر عامه شکل می‌دهند. آن‌ها به دنبال این‌اند که موضوع چگونه ساختار می‌یابد و برای مردم معنادار می‌شود.

۵. روش‌شناسی مطالعه

با توجه به اینکه هدف این مطالعه بازسازی معنایی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهر مرزی مریوان از منظر مرزنشینان آن منطقه است، از روش‌شناسی کیفی و روش مردم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق بهره گرفته شده است.

مردم‌نگاری عبارت است از مطالعه مردم در محیط اجتماعی طبیعی به‌وسیله ابزار و روش‌هایی که بتوان به معانی اجتماعی و فعالیت افراد در محیط‌های طبیعی دست پیدا کرد. در این روش، محقق مستقیماً در محیط و میدان مطالعه مشارکت می‌کند (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۱۹۷). تحقیق‌های مردم‌نگارانه به‌صورت کارهایی میدانی و با روحیه طبیعت‌گرایانه^۲ و بسترمند^۳ در پیوستاری امیک - اتیک پدیده‌ها را در بستر طبیعی‌شان مطالعه می‌کنند و محقق بازاندیش به ارائه توصیفی پرملاط از موضوع مطالعه و جوانب مختلف آن اقدام می‌کند. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها هم روش نظریه زمینه‌ای^۴ به کار رفته است. نظریه زمینه‌ای، رویه‌ای برای مفهوم‌بندی داده‌ها (کدگذاری باز)، مقوله‌بندی و ارتباط‌دادن بین داده‌ها و مقولات (کدبندی محوری)، ساخت خط داستان که مقولات را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (کدبندی گزینشی) و پایان‌بخشیدن به آن با مجموعه‌ای گفتمانی از فضایی نظری (مدل پارادایمی) است. جامعه

1. Me
2. Naturalism
3. Contextual
4. Grounded theory method

آماري تحقيق ۲۷ نفر از مطلعان كليدي^۱ يا دروازه بانان^۲ خبري يا به عبارت ساده تر افراد درگير در اين پديده در شهرستان مريوان هستند. شيوه نمونه گيري نيز نمونه گيري كيفي - نظري^۳ و تعمدی^۴ بوده است. براین اساس كليدي ترين افراد و اسناد مشاهده و مطالعه شده اند تا اشباع نظري^۵ فرارسد و همين اشباع نظري مرحله پایانی نمونه گيري بوده است.

۶. معرفي ميدان مطالعه

شهرستان مريوان در ۱۲۵ كيلومتری شمال غربی سنندج، در استان كردستان، با ۲۲۵۹/۵ كيلومتر مربع مساحت و جمعيتی قريب به ۱۶۷ هزار نفر، حدود ۱۱۰ كيلومتر با استان كردنشین سلیمانیه عراق مرز مشترك دارد. مردم منطقه اهل تسنن هستند و به زبان كردی (لهجه های سورانی و اورامی^۶) تكلم می کنند. در فاصله ۱۶ كيلومتری غرب شهرستان مريوان، مرز باشماق واقع شده است که در حال حاضر تمام فعاليت های يك مرز رسمي و تجارت مرزی رسمي در آن جريان دارد (حسينی، ۱۳۸۹: ۱). بازارچه مرزی باشماق به عنوان فعال ترين بازارچه مرزی غرب کشور، در مردادماه سال ۸۶ به عنوان مرز رسمي بهره برداری شد. اداره گمرکات کشور در سال ۱۳۸۹ در بين بيش از ۱۰۰ گمرک کشور که دارای ردیف ترانزيتی هستند، گمرک باشماق را سومين مرز ترانزيتی معرفي کرده است. اکنون شهرستان مريوان با داشتن مرزی فعال و گمرک بين المللی باشماق، مهم ترين مسیر خروجی ترانزيتی و فعال ترين مرز زميني کشور با عراق محسوب می شود. اين امر سبب رونق مبادلات مرزی، تجاری و گردشگری بين المللی شده است. علاوه بر این، درياچه زريوار (زريبار) مريوان به عنوان قطب گردشگری استان كردستان، يکی از مناطق نمونه گردشگری تصويب شده است. با اين توضيحات تاحدودی می توان جایگاه بازارچه مرزی را در تمام مناسبات و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سياسی و اقتصادی زندگی مردم منطقه احساس کرد و برای شناخت بيشتر اين مسئله از ديد افراد آن جامعه اقدام نمود.

1. Key informants
2. Gate keepers
3. Theoretical
4. Purposive
5. Theoretical saturation
6. The Soranian & Awramian Accents

۷. داده‌ها و یافته‌ها

جامعه مریوان در چند سال اخیر به دلیل رونق گرفتن تجارت مرزی و وجود جاذبه‌های گردشگری پذیرای تغییرات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به تبع آن سبک زندگی مردم بوده است. بررسی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی گویای اهمیت تجارت مرزی در توسعه و شدت تغییرات فرهنگی در میدان مطالعه است.

درست است که پدیده تجارت مرزی در مریوان به مثابه برساختی اجتماعی، امری بسترمند و تاریخی است، اما همین برساخت اجتماعی خودش به عنوان واقعیتی اجتماعی بر ابعاد متفاوت جامعه و زندگی ساکنان منطقه تأثیرگذار است. ذیل این پدیده (تجارت مرزی) مجموعه متفاوت و یگانه‌ای از کنش‌ها، واقعیت‌ها، خرده‌گروه‌ها، سبک‌های زندگی و پدیده‌های جدید شکل گرفته‌اند. ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و نظام ذهنیتی و رمزگان معنایی مردم منطقه تغییر کرده است. سبک و عناصر معماری و شهرسازی در منطقه دچار تحول شده و مدیریت بدن و کلیشه‌های جنسیتی و ساختار خانواده‌ها تغییرات ویژه‌ای پذیرفته است. هرکدام از این نکات و بسیاری دیگر از این قبیل نیازمند بررسی‌های دقیق و موشکافانه‌اند.

یکی از موضوعات اساسی، پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی است که با تمرکز بر درک و تفسیر مردم منطقه بررسی می‌شود. بعد از استخراج و کدبندی درک و تفسیر مردم این منطقه از پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی، در مرحله کدگذاری باز ۵۱ مفهوم استخراج شدند که در مرحله کدبندی محوری در قالب ۴ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. این مفاهیم و مقولات در جدول ۱ آمده است. مقولات محوری عبارت‌اند: استحاله ارزشی و هنجاری، سوژه شدن بدن/بژه شدن طبیعت، ابزاری شدن ارتباطات اجتماعی، و اصالت‌زدایی از دانش. این مقولات چهارگانه عمده در مرحله کدبندی گزینشی به استخراج یک «مقوله مرکزی» منتهی شد. مقوله مرکزی این بررسی «ازجاکندگی فرهنگی» است. در زیر به اختصار به هر یک از مقولات چهارگانه و سپس مقوله مرکزی پرداخته می‌شود.

در مطالعه حاضر، فرهنگ منظومه متعامل و پیوسته‌ای از شیوه‌های مختلف زندگی اجتماعی افراد است. به عبارتی، تمام شیوه‌های اندیشیدن و جهان‌بینی، رفتار و تعاملات اقتصادی و اجتماعی، اخلاق مدنی، پوشش و وضع ظاهری افراد، فضای سکونتی، چیدمان و دکوراسیون منازل و اماکن مختلف اقتصادی و مسکونی و مذهبی، خوانش و تعیین موضع درقبال وضعیت بهداشت فردی و محیط، ارتباطات و تعاملات متنوع داخلی و خارجی،

قشربندی اجتماعی و خانوادگی، دیدگاه مردم درباره جنسیت، جایگاه آموزش و تحصیل در منطقه و بسیاری موارد دیگر از این قبیل، همه به مثابه روش‌ها و شیوه‌های زندگی مردم یا همان فرهنگ مردم منطقه‌اند. با اذعان به اینکه تمام این شیوه‌ها در هم متداخل و تأثیرگذارند، تغییرات نامتوازن هر عنصر از این کلیت به جابه‌جایی آن از کلیت منتهی می‌شود.

جدول ۱. مفاهیم و مقولات پیامدهای تجارت مرزی

مقوله مرکزی	مقوله‌ها	مفاهیم
ازجاکندگی فرهنگی	استحاله ارزشی/هنجاری	اجتناب از تقدیرگرایی، چرخش از متافیزیک مکانیکی به کنشگر خلاق، گرایش به غلبه بر طبیعت، گرایش به رفاه، عقل‌گرایی، گرایش به تکنولوژی، اتکا بر مدرنیته و مظاهرش، گروه به مظاهر مادی زندگی، رنگ باختن آرامش روانی و اخلاقی سابق، تأثیرات گسترده مدرنیته در جامعه، تغییر مظاهر ظاهری و پوشش افراد
	ابزاری‌شدن ارتباطات اجتماعی	توریسم تجاری، توریسم بین‌مرزی، ارتباطات سایبر به‌ویژه از طریق ماهواره، دگرگونی تعاملات والدین و فرزندان، زوال احترام در ارتباطات اجتماعی، تعاملات اداری آکنده از فساد، خویشاوندگرایی، تعاملات اقتصادی خارجی، گونه‌های جدید بخصوصی از مبادلات اقتصادی در قالب حواله و وام و چک و غیره
	اصالت‌زدایی از دانش	تربیت و بزرگ‌کردن بچه‌ها، سوادآموزی بچه‌ها، امنیت شغلی، تحصیل به‌مثابه منبع آتی امرار معاش، آموزش و پرورش مدرن، تحصیلات قدیمی استاد شاگردی، افت تحصیلی، آینده مبهم تحصیل، کاهش محدودیت‌های جنسیتی برای تحصیل دختران، ازدیاد فزاینده پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مریوان، اهمیت یافتن کلاس‌های زبان و کنکور، تعدد انجمن‌های ادبی و هنری
	سوژه‌شدن بدن/ پژوه‌شدن طبیعت	تغییر دیدگاه به مرگ، عادی‌شدن مرگ، کاهش جمعیت، تنظیم خانواده، آرامش، آسایش، نظافت فردی، آلودگی نفتی آب و خاک، تصادفات جاده‌ای، افزایش مرگ و تصادف، ترویج لوازم آرایشی و بهداشتی، قاچاق دارو، افزایش درمانگاه و مطب و بیمارستان‌ها و فوریت‌های پزشکی، چکاپ‌های دوره‌ای، اهمیت یافتن جنس و اصول بهداشتی و ایمنی مصالح ساختمانی، بیمه خدمات درمانی

۷-۱- استحاله ارزشی/هنجاری

تجارت مرزی در مریوان موجب شده است ارزش‌ها و هنجارها و در کل شیوه‌های زندگی مردم منطقه به‌گونه‌ای متفاوت و گاه متضاد با گذشته درک، تجربه و تفسیر شود. در وضعیت جدید شیوه‌های طبقه‌بندی ارزش‌ها و هنجارهای افراد در جریان زندگی و کنش‌های اجتماعی تغییر

کرده است و شیوه‌های اقتصاد معیشتی بومی و بالنسبه اسلامی سابق در منطقه به سمت اقتصاد سرمایه‌دارانه سودمحور سوق یافته است. امروزه ارزش‌های جدید در منطقه به دلایلی خاص بر برخی جنبه‌های ویژه از فرهنگ (همچون پول و سرمایه، مسکن، کسب سود و منفعت مادی زیاد) بیش از دیگر جوانب (از قبیل آموزش و پرورش، اخلاقیات مذهبی و اجتماعی، شرم و حیا، تعهدات خانوادگی و غیره) تأکید می‌کنند.

"سیوان" که لیسانس پژوهشگری دارد و مدتی است از روستا به شهر کوچ کرده است در این خصوص می‌گوید: «آقا، کشاورزی دیگر سود و حتی کلاس هم ندارد، مردم به آسایش فضای شهری دارند معتاد می‌شوند، اینجا از آن سنت‌های قدیمی و بسته روستا چندان خبری نیست، خود مردم بیشتر خودشان خدای خودشان می‌شوند. در ارتباط با این‌ها باید محتاط باشی، چون اگر اختلافی پیش بیاید نمی‌دانی این‌ها را به چه مقدساتی سوگند بدهی».

این اختلافات ارزشی و هنجاری در نظام معنایی و کنش‌های افراد آشفستگی خاصی را ایجاد کرده است که در واقعیت‌های اجتماعی زندگی مردم منطقه به حالت عینی خود را به نمایش می‌گذارند. اگر براساس نظام ارزشی گذشته، احترام به والدین، همسایه، و دیگر انسان‌ها تابع دستورات عرفی و مذهبی بود، هم‌اکنون این ارزش‌ها کمرنگ شده‌اند و بیشتر بر بهبود وضعیت اقتصادی تأکید می‌شود.

تجارت مرزی کمک کرده است تا نظام ذهنی افراد درباره پول و شیوه‌های مصرف آن تغییر کند و پول شیئی در نظر گرفته شود که با آن می‌توان هر چیزی را محک زد. این تغییر ذهنیت باعث شده است تا بسیاری از کنش‌ها و مسائل اخلاقی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی، آموزشی و غیره با معیار پول ارزیابی شوند و دستیابی به پول به مثابه هدف متعالی در اذهان افراد جلوه‌گر شود که بر مبنای آن هر کنش و جهت‌گیری موجه به شمار آید. "هیوا" درباره همین تأثیر بازارچه‌ها در تغییر دیدگاه مردم می‌گوید: «با آمدن بازارچه و تجارت مرزی در مریوان وضع درآمد اقتصادی مردم غنی و فقیر ارتقا یافت... خانواده‌های فقیر کولبرها کم‌کم به این پول عادت کردند [تغییر نظام ذهنی افراد] و این پول‌های زیاد را می‌آوردند و به میل و اختیار خودشان برای نیازهای ثانویه و کاذب حیف و میل می‌کردند، ولی الان آن مرز و درآمدهای قاچاق‌فروشی تمام شده اما باز هم خانواده‌ها همچنان به به دست آوردن آن پول که به آن عادت کرده بودند تمایل و اصرار دارند. خوب باید مرد، زن و بچه‌ها این خلأ مالی را از "هر راهی" ابا تأکید!، متوجه می‌شوی چی می‌گویم؟، از هر راهی! که شده جبران کنند و مثل سابق ریخت‌وپاش و تظاهر و تصنع کنند».

نمونه دیگری از این تغییر نظام ذهنی افراد در صحبت‌های "فاروق" جلوه می‌کنند: «الان خانواده‌های سنتی و جدید همگی به نوعی تحت تأثیر مرز هستند و مناسبات همه‌جانبه ناشی از مرز خانواده‌ها را به نسبت‌های متفاوتی آلوده لباس و مُد و آرایش‌های اجق و جق کرده است. قبلاً فخر می‌کردیم که مریوان و بانه و پاوه از جمله شهرهایی‌اند که مرز و ماهواره در آن‌ها تأثیر منفی نگذاشته است. ولی الان متأسفانه این شهرها هم آلوده شده‌اند و خانواده‌های خیلی کمی به‌ویژه در شهرها هستند که که‌وا پانتول^۱ [لباس کردی مردانه] و لباس کردی زنانه بپوشند و ۷۰ درصد از مردم منطقه به خاطر نزدیکی به همین مرز لباس خودشان را به لباس بیگانه تغییر داده‌اند».

"محمدامین" نیز این مسئله را این‌گونه توضیح می‌دهد: «الان شما پوشاک را در نظر بگیر، از نظر پوشاک هم مریوان به مسیری تغییر کرده که نمی‌دانم بهش بگویم فارسی یا اروپایی، به مسیری که اصلاً لباس‌های تنگ و شلوار تنگ و لباس‌های آستین‌کوتاه و رکابی و چسبی را برادر من یا برادر آن آقا با افتخار می‌پوشد. ۱۰-۱۵ سال قبل از الان اگر مسئله مرز نمی‌بود و اگر در تلویزیون یا فیلمی این جور لباس و پوشاک تنگ و کوتاه دیده می‌شد، می‌گفتند "پارو را باش، لخته!". ولی الان یک نفر مریوانی حتی اگر بچه خودش در خانه خودش هم این لباس‌ها را بپوشد برایش مهم نیست و بهش گوش نمی‌دهد. برایش عادی شده است. مسئله مرز این وضعیت را برایش عادی کرد، اصلاً برایش عادی کردند! ابا تأکید. ماهواره برایش عادی کرد. ماهواره به نظر من علت اول است. آن هم به این خاطر است که ما در مرز هستیم و گرنه در شهرهای دیگر ایران ماهواره اینقدرها هم نیست و تأثیر کمتری دارد».

این عبارات مبین تأثیر تجارت مرزی در تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مریوان است. مرز با تسهیل دستیابی به ماهواره و افزایش ارتباطات مختلف میان فرهنگی در شهرستان باعث شده است تا برای مثال، پوشاک و لباس بومی و محلی گردی که ارزشی از ارزش‌های کلی‌تر فرهنگ مریوان شناخته می‌شده دچار تغییر شود.

تغییر ارزشی نزد افراد به‌گونه‌ای است که بسیاری از مواردی که امروزه ارزش و هنجاری بالنسبه مقبول قلمداد می‌گردند در گذشته ضد ارزش و ناهنجار بوده است و همین حاکی از وقوع تغییرات ذهنی در میان مردم منطقه است.

۷-۲- ابزاری شدن ارتباطات اجتماعی

تعاملات اقتصادی در سال‌های اخیر و با تأسیس بازارچه‌های مرزی در نوار مرزی شهرستان، علی‌الخصوص در سطح تعاملات میان‌مرزی، حالتی نو و متفاوت با گذشته به خود گرفته است. براساس تغییرات نظام ذهنی افراد در نتیجه بازارچه‌های مرزی، صورت‌بندی‌های بستری سابق برای تعاملات مردم نیز متحول شده است. زمانی تعاملات درون خانوادگی، ارتباطات فامیلی، ارتباط و تعاملات اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های مذهبی و قومی و در بستر اکولوژی خاص منطقه معنا می‌یافت. ارتباطات میان‌فرهنگی و میان‌مرزی محدود و براساس نیازهای معیشتی و امنیت جانی صورت می‌گرفت. ارتباطات اجتماعی و حتی فامیلی نیز مستحکم و مبتنی بر سلسله‌مراتبی از اقتدار بود. "صبح" تحول تعاملات مردم را این‌طور بیان می‌کند: «مرز باعث شده مردم مریوان به چین، کره، دبی و دیگر جاهای دنیا سفر کنند، یا از جاهای دیگر گردشگر آمده به مریوان. مردمان دیگری آمدند به این شهر و با مردم تعامل برقرار کردند. مردم مریوان هم جاهای دیگر را شناختند و برعکس. قبل‌ترها، زمانی بود مردم شهرستان‌های دیگر فکر می‌کردند که مردم مریوان همه آدم‌خوار هستند، ولی امروز می‌بینی که همه خانواده‌ها با شهرستانی‌های دیگر تعامل دارند، رابطه دارند، حتی قوم و خویش شده‌اند. من خودم کمتر شهری در ایران هست که رفیق و دوست نداشته باشم، که به خانه من می‌آیند و شب می‌مانند. ولی اگر قبلاً به یک نفر شهرستانی می‌گفتی شب برویم خانه ما اصلاً زهره‌ترک می‌شد! ولی الان روابط خیلی زیاد شده».

در این منطقه همانند دیگر نقاط مرزی کشور، داشتن ارتباط با عوامل اداری و اجرایی باعث می‌شود تا در جریان توزیع نابرابرانه فرصت‌ها و تهدیدها بتوان سود بیشتری را از آن خود کرد. این روند باعث تشدید قانون‌گریزی یا دیگر مسائل اجتماعی می‌شود. "احمد" این قضیه را ناشی از توزیع نابرابرانه فرصت‌ها و سودهای اقتصادی تجارت مرزی و عدم درایت مدیریتی بازارچه و تجارت مرزی می‌داند و خاطر نشان می‌کند که: «اگر شرایطی حاصل می‌شد که مردم بتوانند همانند طبقه متوسط اقتصادی در شهرستان از زندگی بالنسبه یکسان و خوبی برخوردار شوند، شاید مرز هم بهتر می‌بود. اما الان با این اوضاع مرز فقط بجز اینکه به رواج بی‌بندوباری - آشفتنگی - دامن زده است، دیگر هیچ‌چیز خوبی نداشته است. مرز قانون‌گریزی را بیشتر کرده است، علی‌الخصوص از لحاظ عدم توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی و امنیت جانی دیگران، نیروی انتظامی، رشوه‌ادارات و غیره. اما تجارت مرزی باعث شده تا فقیرترها کارشان بهتر از گذشته بشود و نمیرند ولی در نهایت، فقیر را فقیرتر کرده و ثروتمند را ثروتمندتر!».

"آزاد" همین قانون‌گریزی ناشی از افزایش رفاه معیشتی حاصل از اقتصاد مرزی را این‌گونه تشریح می‌کند: «طرف با کسب درآمد در مرز ثروتمند شده، اما حتی اگر هم خیلی خیلی ثروتمند باشد، باز هم قرار نیست احترام دیگران را نگیرد! طرف یک لندکروز 4WD داشت بی-هیچ دلیلی می‌رفت به ماشین یکی دیگر می‌زد. یا اصلاً شما چیزی مثل تصادف را در نظر بگیر، وقتی که برایت پیش می‌آید روابط و احترامت باید طوری باشد که شاکی بتواند از خطای چشم‌پوشی کند. ولی یارو می‌گفت خونس (دیه‌اش) را می‌دهم و خلاص! می‌دانی چرا؟ چون پول و پارتی داشته و ثروتمند بوده و ازش استفاده کرده و هیچی زیاد برایش مهم نبوده».

براساس این گفته‌ها، ارتقای معیشتی و منزلت اقتصادی علاوه‌برآنکه به تزلزل بسیاری از ارزش و هنجارهای تنظیم‌کننده اجتماعی دامن زده است، با ازدیاد روابط ابزاری با دستگاه‌های ذی‌ربط، حاشیه امنی برای تخطی از قوانین و هنجارهای اجتماعی به دنبال داشته است. منزلت اقتصادی افراد نوکیسه باعث شده است تا پول به‌مثابه کالایی مدنظر قرار گیرد که همه‌چیز را بتوان با آن قیاس کرد. این ارجحیت ارزشی پول، علاوه‌براینکه قوانین قراردادی راهنمایی و رانندگی، جرایم و تعزیرات اقتصادی، قوانین و ضابطه‌های اداری و ازاین‌قبیل را زیر پا می‌گذارد، باعث می‌شود ارزش‌های مذهبی و اخلاقیات و حتی جان انسان‌ها نیز با معیار پول سنجیده شود. تجارت مرزی و سرگرم‌شدن افراد به‌گونه‌های مختلف باعث شده است تا تعاملات افراد بیشتر بر محور اقتصاد و با هدف کسب سود بیشتر صورت گیرد و تعاملات میان افراد خانواده و فامیل نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. تعاملات از حالت تعاملات دینی، فامیلی، سیاسی، علمی و غیره به سمت تعاملات اقتصادی سیر می‌کند و افراد در اغلب کنش‌هایشان ملاحظات اقتصادی را بیشتر مدنظر دارند. همین دل‌بستگی‌های جدید اقتصادی بسیاری از تعاملات فامیلی افراد را نیز کاهش داده است. "سیروان" می‌گوید: «اگر مرز باشد و طرف در مرز کار داشته باشد به خدا قسم فکر نمی‌کنم در ماه یکبار هم گذرش به خانه برادرش بیفتد. اما اگر طرف اداره‌ای باشد حداقل رفت‌وآمدی، معاشرتی، حرفی، سیران و تفریحی خواهد داشت».

اصول اخلاقی و مذهبی در فرهنگ مردم منطقه از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهایی بوده‌اند که همواره جزئی از نشانگرهای فرهنگ منطقه قلمداد می‌شده‌اند، اما هم‌اکنون از جای خودشان کنده شده‌اند و ارزش‌های جدید اقتصادی منفعت‌طلبانه‌ای جایگزین آن‌ها شده است و به خاطر پول، فامیل، خانواده، دوست و آشنا و حتی سلايق درونی و اخلاقیات اجتماعی هم کمرنگ و بی‌ارزش شده است.

۷-۳- سوژه شدن بدن/ابژه شدن طبیعت

وضعیت تحول یافته جامعه مریوان که حاصل تغییرات همه جانبه در ابعاد اساسی جامعه است امروزه در مقوله سلامت، بهداشت فردی و محیط دیدگاهی متفاوت با گذشته بر ساخته است. امروز برخلاف گذشته رشد تکنولوژی و رفاه اقتصادی و گسترش ارتباطات و مدرنیزاسیون باعث شده تفسیر مردم از مفاهیم بهداشت و سلامت تغییر کند. تجارت مرزی و بازارچه‌ها ارتقای معیشتی، تسهیل ارتباطات و تعاملات، تسهیل و تسریع دستیابی به تکنولوژی‌های جدید از قبیل ماهواره و دیگر وسائل صوتی و تصویری، لوازم آشپزی، مواد خوراکی جدید، داروها و مواد بهداشتی و پاک کننده خارجی و شیوه‌های جدید پخت و انواع متفاوت غذاها را به دنبال داشته است و به تبع آن دیدگاه مردم از مراقبت مکانیکی به مراقبت باغبانی تغییر یافته است و به بدن و بهداشت و سلامتی خود و خانواده‌شان بیشتر توجه می‌کنند. "احمد" این قضیه را این گونه بیان می‌کند: «در گذشته تا زمانی که علایم یک بیماری در سطحی بالا خود را به نمایش نمی‌گذاشت چندان مهم نبود و افراد تلاش می‌کردند تا با دعا (نووشته)،^۱ اقتدا به شیخ و مرقد و یا رجوع به طبیب محلی و داروهای گیاهی محلی سلامتی خود را باز یابند».

اما توأم با این تغییرات مثبت بهداشت و سلامت باید گفت تجارت مرزی مستقیم و غیرمستقیم بیماری‌ها و مشکلات انسانی و زیست محیطی را نیز با خود داشته است. در همین چند سال قبل، در نظام ذهنی افراد منطقه، مفاهیمی چون داروهای روان گردان، داروهای جعلی فرم دهنده به بدن یا همان مواد پروتئین‌زا، سیگار، قلیان، اعتیاد، انواع مواد مخدر، انواع مشروب، ایدز و دیگر امراض مربوط به روابط جنسی نامشروع اصلاً وجود نداشته یا تا این حد هراسناک و فراگیر نبوده است. "محمد" در همین باب می‌گوید: «حالا مشروب و دود (مواد مخدر) زیاد شده است. الان متأسفانه کم روستایی داشته باشیم در مریوان که معتاد نداشته باشد. الان شهر و روستاهایی چون کانی دینار، هجرت،^۲ بالک، دگاگا، نژمار، و... به میزان زیادی معتاد دارند».

تجارت و ترانزیت کالا پای افراد متفاوت زیادی از قبیل راننده‌های کامیون، دختران و زنان متکدی و زنان تن فروش مسافر نما را به منطقه گشوده است و این‌ها از اساسی ترین عوامل ایجادکننده هراس در مردم هستند. "کاروان" این مسئله را این گونه بیان می‌کند: «برخلاف گذشته‌ها، الان طوری شده است که وقتی بچه به کوچه می‌رود جایی برای استراحت و آرامش ندارد... اگر به خیابان می‌آید نمی‌شود، محدود است، ترس و خطر معتاد شدن، سیگاری شدن،

1. Nooshteh

۲. روستاهای کانی دینار و هجرت از زمستان سال ۱۳۸۸ براساس تصویب هیئت وزیران به شهر تبدیل شده است.

مشروبی شدن، انحراف رفتن و هزاران خطر دیگر در راه و در کمین است. در قدیم آمدورفت به این منطقه خیلی کم بود. همه همدیگر را می‌شناختند. از وقتی مرز بی‌حساب و کتاب رشد کرد پای خیلی‌ها به این منطقه باز شده است».

از آنجاکه یکی از گونه‌های تجارت مرزی غیررسمی قاچاق است، به کرات مسئله تصادف، شلیک و برخورد گلوله، درگیری قاچاق‌چیان و مأموران، خطر انفجار مین‌های منهدم‌نشده و... آثار منفی تجارت مرزی را بر سلامت جسمی افراد منطقه و حتی چارپایان متعلق به قاچاق-فروشان، برجسته می‌کند. تجارت مرزی از راه‌های مختلفی به تهدید محیط زیست و سلامت خاک، آب، و هوا در منطقه منجر شده است: تخریب و فرسایش زیاد کوه‌ها و دشت‌ها توسط رانندگان و صاحبان کالاهای و بارها به هنگام جاده‌سازی برای انتقال کالاهای قاچاق از مناطق صعب‌العبور و به دور از دید نیروهای انتظامی و گشت‌های کالای قاچاق از این دسته‌اند.

۷-۴- اصالت‌زدایی از دانش

باتوجه به تعاملی بودن پدیده‌های اجتماعی و وجود درهم‌کنشی‌های ویژه میان جنبه‌های مختلف جامعه، تغییراتی نیز از جانب دیگر حوزه‌ها بر حوزه آموزش و پرورش تحمیل شده است. یکی از نهادهای متداخل در نهاد آموزش و پرورش در منطقه مریوان نهاد اقتصاد یا به بیان ساده‌تر وضعیت معیشتی افراد منطقه بوده است. با بر ساخته شدن تجارت مرزی در مریوان و ارتقای معیشتی افراد، جایگاه علم و معرفت در نظام ارزشی منطقه متزلزل شده و انگیزه مردم برای ادامه تحصیل و کسب مدارج بالاتر علمی متغیر و ناپایدار شده است.

تجارت مرزی در این مقطع مجاری مختلفی را برای کسب حجم انبوهی از پول و رفاه اقتصادی پیش روی مردم منطقه قرار داد. در دوره‌ای تحصیل علم یا کسب ثروت، مردم غالباً نزدیک‌ترین راه یعنی کسب ثروت را انتخاب کردند. "محمد" تأثیر مرز یا همان تجارت مرزی را بر وضعیت آموزش و پرورش منطقه این‌گونه توضیح می‌دهد: «از نظر فرهنگ و دانش هم با تأکید می‌توانم بگویم و این نه نظر من بلکه نظر اکثر مردم منطقه است، اگر کمی دید و نگرش داشته باشند، که اصلاً مرز از نظر فرهنگی مردم را عقب انداخته است، خودم در سردوش^۱ بودم، می‌دیدم که طرف بهترین استعداد را داشت ولی درسش را رها می‌کرد و شب به مرز می‌رفت. الان که مرز تعطیل شده نه درسش را دارد و نه مرز [تجارت مرزی رسمی و غیررسمی] برایش باقی مانده است! دقیقاً مثل عشاير شده است». "مجید" همین موضوع را به‌طور خلاصه این-

۱. یکی از روستاهای بخش خامیرآباد، شهر برده‌رشه از توابع شهرستان مریوان

گونه متذکر می‌شود: «تأثیر منفی مرز بر سواد چیزی انکارناشدنی است، الان اگر تحقیق خانه‌به‌خانه روی روستاهای نوار مرزی انجام بگیرد، روستاهای باشماق، ساوجی، سردوش، و نیز نوار مرزی روستاهای سیاناو، ویسه، اسکول و سپس دیگر روستاهای اطراف، در تمام خانه‌ها اگر باهاشان مصاحبه کنی دقیقاً به این تأثیر منفی شغل کاذب مرز بر سواد اعتراف می‌کنند و می‌گویند که فرزندشان یا خودشان چطور به خاطر مرز ترک تحصیل کرده و الان مرز و درسش هم از دستش رفته، و آینده آن فرد را به سمت تاریکی و مشقت می‌فرستد».

بخش خاومیرآباد^۱ در شهرستان مریوان که پدیده تجارت مرزی در روستاهای آن به نسبت دیگر بخش‌ها از وسعت و شدت بیشتری برخوردار است، دارای بیشترین آمار ترک تحصیل است. "شیرکوه" این مسئله را این‌گونه عنوان کرد: «روستاهای این منطقه با آن همه جمعیت جوان و در سن تحصیل، فقط یک دبیرستان در "بردشه"^۲ دارند، از اهالی این منطقه که حدود ۵۶ روستا هستند حتی یک نفر دکتر هم وجود ندارد، بچه‌ها همه چندرغاز پول پیدا کرده‌اند و در خانواده خود شورش به راه انداخته‌اند، فکر می‌کنند مرز تا ابد برایشان باقی می‌ماند».

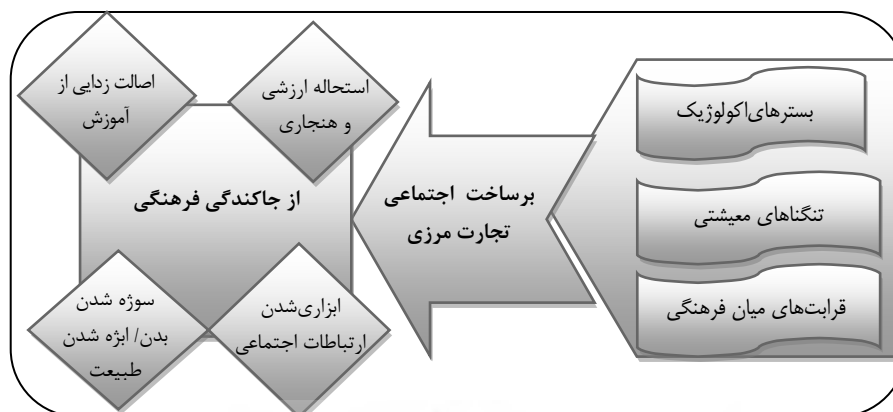
با تمام این توضیحات باید گفت درست است که تجارت مرزی از راه ارتقای معیشتی باعث شد تا جایگاه ارزشی و هنجاری تحصیل و آموزش و پرورش افراد در کلیت نظام فرهنگی مردم منطقه متزلزل و برکنده شود، ولی همین مسئله در داخل شهر مریوان به طور وارونه برای نسل جدید و بچه‌هایی عمل می‌کند که هم‌اکنون در مقطع مهدکودک و آمادگی، دبستان و راهنمایی‌اند و هنوز به سن کار نرسیده‌اند. در این وضعیت رفاه اقتصادی، به‌ویژه از نیمه اول دهه ۱۳۸۰ که با اوج سرازیری پول از مجاری تجارت مرزی روبه‌رویم، گرایش خاصی به‌ویژه میان خانواده‌های متمکن شهری در فرستادن فرزندانشان به کلاس‌های تقویتی و زبان خارجه و فوق‌العاده و تقویتی شکل گرفته است. درنهایت باید گفت، اگرچه مدرنیزاسیون از طریق نهادها و مراکز آموزشی سعی در تقویت وضعیت آموزشی مردم منطقه و تقویت جایگاه آموزش و پرورش در نظام فرهنگی منطقه داشته است، تجارت مرزی غالباً برعکس عمل کرده و به تنزل جایگاه فرهنگی متولیان امور فرهنگی، همانند معلمان و دانشجویان و هنرمندان منطقه منجر شده است.

1. Khawmirabad
2. Bardarashah

۸- بحث و نتیجه‌گیری

می‌توان گفت مفهوم یا مقوله ازجاکندگی فرهنگی، به‌مثابه مقوله مرکزی، مفهومی است که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و جنبه تحلیلی داشته باشد. براساس مقوله مرکزی که خود برگرفته و انتزاع‌شده از سایر مقولات عمده است، مردم منطقه مرزی مریوان، پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی را نوعی ازجاکندگی فرهنگی درک و ارزیابی می‌کنند؛ بدین‌معناکه آنان بر این باورند که تغییرات حاصل از تجارت مرزی در راستای جابه‌جایی عناصر فرهنگی آنان بوده است. درک پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی به‌مثابه ازجاکندگی فرهنگی متأثر از بسترهایی بوده و در نتیجه تعاملات و فرآیندهای خاصی حاصل شده است. به‌علاوه، درک مذکور خود دارای نتایج خاصی است. از نظر مردمان شهر مرزی مریوان، اکولوژی منطقه، جبر و فشارهای محیطی، دوری از مرکز و سرمایه‌گذاری اندک دولتی مانع رشد و شکوفایی اقتصادی منطقه و ادغام در اقتصاد ملی شده است. از طرف دیگر، نزدیکی و هم‌جواری جغرافیایی و خویشاوندی فرهنگی با کردستان عراق موجب شده است تا مردم این منطقه در برابر وضعیت مذکور و برای جبران توسعه‌نیافتگی منطقه دست به اقدامات و تعاملات خاصی بزنند که روی‌آوری به تجارت مرزی و بر ساخت آن را در پی داشته است. از نظر مردم این منطقه، تجارت مرزی که به شیوه‌های مختلف ارتقای نسبی وضع معیشت مردم منطقه را به دنبال داشته است، فرهنگ منطقه را از جنبه‌های اساسی بسیاری متحول کرده است. فرهنگ غالب افراد منطقه ارزش‌های مادی را هنوز همانند سابق تأیید می‌کند، لیکن ارزش‌های فرامادی‌ای را که در گذشته توأم با ارزش‌های مادی به زندگی اجتماعی افراد معنا می‌بخشید کمرنگ و جابه‌جا کرده است. تمرکز ناموزون و برجسته‌بُعد مادی فرهنگ موجب شده است تا ابعاد غیرمادی نظیر مناسبات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها، آموزش و پرورش، غایب یا کمرنگ و بی‌تناسب باشند. این ازجاکندگی ابعاد فرهنگی باعث شده است تا نما و چشم‌انداز فرهنگ منطقه مریوان درهم، ناموزون و غیرگویا باشد.

شکل ۱. مدل زمینه‌ای درک پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی به مثابه ازجاکندگی فرهنگی



فرهنگ جامعه مریوان، ارزش‌ها و هنجارها دچار ازجاکندگی محیطی و اجتماعی شده‌اند. ارزش‌های التقاطی اقتصادمحورانه جدید، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و جغرافیایی بیگانه قلمداد می‌گردند و به‌هنگام تعامل افراد با یکدیگر آشفتگی و ابهام را تشدید می‌کنند. شدت این ابهام و تحولات ناموزون ارزشی و هنجاری در تعاملات، جنبه‌ها، ابعاد و گستره‌هایی از زندگی افرادی بیشتر است که مستقیم یا با واسطه کمتر با تجارت مرزی و اقتصاد غیررسمی شایع در نوار مرزی ارتباط و پیوستگی دارند. تعاملات و دادوستدهای خارجی مردم منطقه مثلاً با چین، کره، دبی، و تعاملات سایبری و تلویزیون و ماهواره همه تصورات سابق را از زمان و مکان محلی و وابسته به همدیگر زدوده است.

تغییر تعامل افراد با خود و محیط یکی از تحولات اساسی است که تجارت مرزی در آن نقشی محوری داشته است. تغییر بینش و نگاه افراد منطقه به مقوله بهداشت فردی و محیطی در وضعیتی که تجارت مرزی رونق یافته است محسوس است. افراد بسیاری از داروها، لوازم آرایشی و بهداشتی، وسایل زیبایی بدن، قرص، سرنگ و مواد پزشکی که از مرز قاچاق و در رسانه‌های خارجی تبلیغ می‌شود به‌سادگی استفاده می‌کنند. ارتقای معیشتی توجه افراد را به بدن خود و محیط زیست پیرامونشان به دنبال داشته است. اما غلبه عقلانیت ابزاری مکنون در تعاملات پیرامون مقوله تجارت مرزی باعث شده است تا افراد درگیر در این مسئله، بهداشت محیطی را که جزء هنجارهای سابق دینی بوده لحاظ نکنند.

تغییرات فرهنگی مختلف در جامعه مریوان به تاسی از پدیده تجارت مرزی به‌معنای حذف یا محو یک عنصر به‌طور همیشگی از کلیت فرهنگ آن جامعه نیست. این تغییرات صرفاً به-

گونه‌ای ناموزون و مخرب در گستره‌های خاص جغرافیایی و تاریخی باعث شده‌اند تا عناصر فرهنگی منطقه به لحاظ ساختار، محتوا، کارکرد و جایگاه متغیر و ناپایدار شوند. این ناپایداری‌ها به ازجاکندگی ابعاد فرهنگ جامعه مریوان در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی و مکانی منتهی شده است. به بیان دیگر، تجارت مرزی به ارتقای معیشتی مردم منطقه انجامیده است، دستیابی مردم را به محدوده جغرافیایی متفاوت دیگری در آن سوی مرز و در کشورهای عراق و دبی و غیره ترغیب و تسریع کرده است، بافتی جدید از ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادمحورانه را در نظام معنایی و ذهنی مردم بیش از پیش بر ساخت و تشدید کرده است، نشانه‌های نمادینی چون پول (دلار، دینار و غیره)، حواله، چک و نظام‌هایی تخصصی چون مدرسه، کارگاه، دانشگاه، ادارات و ازاین قبیل را میانجی تعاملات مردم کرده است. این ازجاکندگی فرهنگی که پول را ارزش می‌شمارد، چارچوب‌بندی جدید و سلطه‌طلبانه نابرابر اجتماعی خاصی را به وجود آورده است.

منابع

- اوژه، مارک و ژان پل کولن (۱۳۸۸) *انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی.
- حسینی، سعید (۱۳۸۹) «بازارچه‌ها تدبیری برای معیشت مرزنشینان کردستان»، *هفته‌نامه سیروان*، سال دوازدهم، شماره ۶۱۶.
- زنگی‌آبادی، علی و شورش آهنگری (۱۳۸۹) «تحلیلی بر وضعیت و رویه‌های جاری بازارچه‌های مرزی استان کردستان (سیران‌بند بانه، باشماق مریوان، سیف سقز)»، *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها*، دانشگاه ایلام.
- صفرپور، فرشاد و غلامعلی مظفری (۱۳۸۹) «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضای شهرها (مطالعه موردی: بازارچه مرزی سیران‌بند بانه)»، *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها*، دانشگاه ایلام: ۲۷۷-۲۸۷.
- عینی‌زاده، ترکان (۱۳۸۹) «انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی پزشکی»، در: www.Anthropology.ir
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نی.
- گمرک جمهوری اسلامی (۱۳۸۷) اهداف و وظایف بازارچه‌های مرزی و نقش گمرک، شماره ۳۵.
- محمدپور، احمد و محمدتقی ایمان (۱۳۸۷) «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸: ۱۹۱-۲۱۳.
- محمودی، علی و محمود متوسلی (۱۳۸۱) *ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

نظری پور، محمد و فؤاد معزی (۱۳۸۹) «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و رونق اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)»، مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها، دانشگاه ایلام: ۲۶۰-۲۷۷.

نورمحمدی، خسرو (۱۳۷۱) بررسی طرح ایجاد مناطق ویژه تجارت مرزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

Fish, S. (1980) *Is There a Text in This Class? The Authority of Interpretative Communities*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Geertz, C. (1973). *The Interpretation of Cultures*, London: Fontana.

Gilliam, Frank, D. and Bales, S. R. et al. (2009) *Strategic Frame Analysis Approach: Disciplinary Influences*, Washington DC: Frameworks Institute.

Lemert, C. and A. Branaman (1997) *The Goffman Reader*, Oxford: Blackwell Publishing.

Kottak, Philip, C. (2004) *Cultural Anthropology*, New York: McGraw Hill.

Williams, R. (1963) *Culture and Society 1780 -1950*, London: Penguin.

